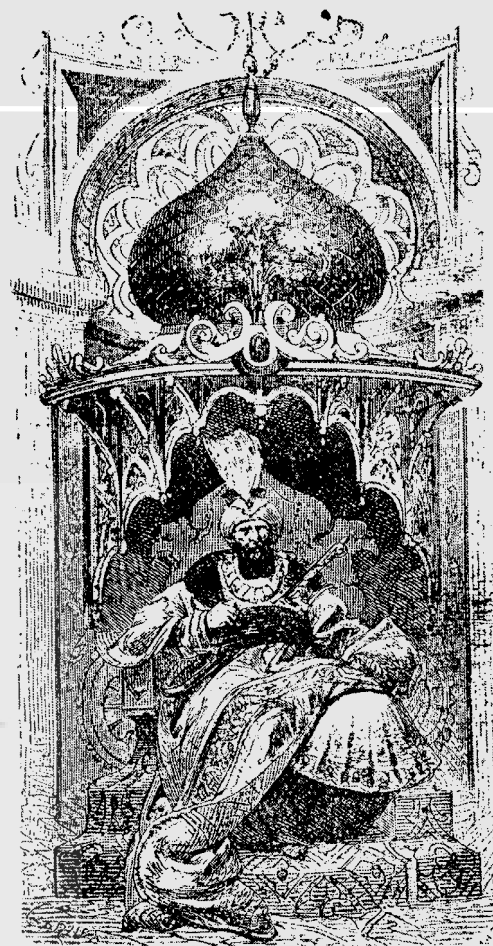


به سفارش افراد غیر حرفه‌ای به شرق سفر کرده بود، دنیای شرق را شناخته و فراوانی داستان‌ها و حکایت‌هایی که در آن جا گفته می‌شد، توجه او را به خود جلب کرده بود. وی پس از بازگشت به فرانسه، انتشار چند جلد آثار خود را با عنوان *Les mille et une Nuits contes arabes traduits en Francais*



ناشناخته‌ای آغاز کرد؛ سپس آگاهی یافت که این بخشی از مجموعه‌ای بزرگ از داستان‌هاست با عنوان هزار و یک شب. از بخت نیک، چهار جلد از یک نسخه خطی هزار و یک شب از سوریه به دستش رسید. این نسخه کهن‌ترین نسخه شناخته شده است و بهترین متن موجود را در بردارد و تنها بخش کوچکی که نیبه آبوت آن را یافته از این نسخه قدیمی تراست. سه جلد نخست

آثار او هنوز هم در کتابخانه ملی فرانسه موجود است، اما جلد چهارم آن مفقود شده است. او در هفت جلد نخست ترجمه خود، سه جلد از متن عربی مورد استفاده خود را ترجمه کرده که ما هنوز این

مجموعه را در اختیار داریم و داستان‌های سندباد و قمرالزمان را هم از نسخه‌های خطی

ناشناخته‌ای به آن افزوده است. وی سپس به سبب در اختیار نداشتن مواد به مدت سه سال کار خود را متوقف کرد تا این که ناشرش، بدون اجازه او، جلد هشتم این اثر را منتشر ساخت. این مجلد شامل داستان غانم - که گلان آن را از روی نسخه‌ای ناشناخته ترجمه کرده بود - به همراه دو داستان زین‌الاصنام و خداداد بود - که پتی دولا کرویکس^۸ آن را برای چاپ در (هزار و یک شب) خود ترجمه کرده بود. بار دیگر، گلان هیچ مطلبی در اختیار نداشت و کار خود را متوقف کرد. وی علاوه بر این، از کل این موضوع خسته و دلزده شده بود. اما در سال ۱۷۰۹ با یک مارونی اهل حلب به نام حنا دیدار کرد که پاول لوکاس جهانگرد، او را با خود به پاریس آورده بود و ناگهان دریافت که یک منبع شفاهی مواد داستانی را یافته است. حنا داستان‌هایی عربی به او گفت و وی خلاصه برخی از آنها را در نشریه‌اش گنجاند. حنا بعضی از این داستان‌ها را نیز به صورت مکتوب در اختیار او گذاشت. بدین گونه، چهار جلد آخر ترجمه گلان کامل شد که نشریه او جزئیات کامل این امر را بیان می‌کند. دست‌نوشته‌های حنا از بین رفته‌اند، اما دو نسخه خطی از داستان علاءالدین و یک نسخه از داستان علی‌بابا یافت شده است. این بود چگونگی پیدایش کتابی که هزار و یک شب را به اروپاییان شناساند و خوانندگان بسیاری، چه متن فرانسه آن و چه ترجمه‌های فراوان آن را به زبان‌های دیگر، به عنوان شب‌های عربی (هزار و یک شب) شناختند.

برای آگاهی از جزئیات بیشتر ر.ک:

H.Zotenbery, *Histoire d'Ala'aldin ... avec Notice sur quelques manuscrits des Mille et une nuits et la traduction de Galland*, Paris 1888.

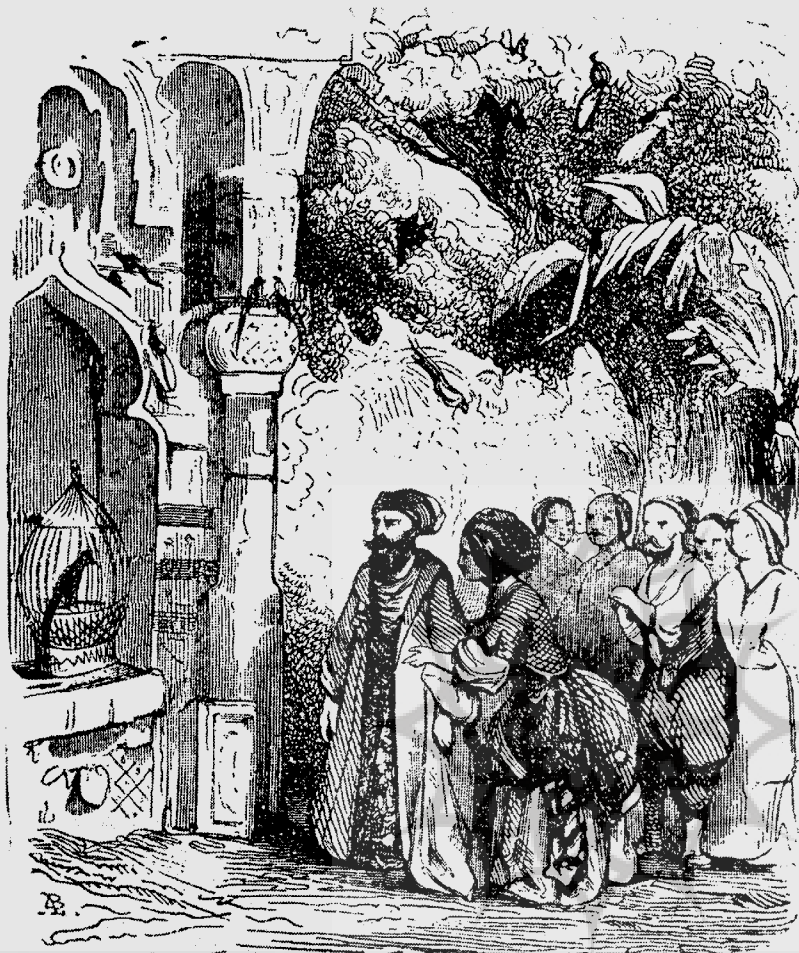
این اثر متن عربی داستان علاءالدین و بررسی برخی نسخه‌های خطی خاص هزار و یک شب و مدخل‌های نشریه گلان را در بردارد. نیز

آغاز کرد. تا سال ۱۷۰۶ هفت جلد منتشر شده بود؛ جلد هشتم در سال ۱۷۰۹؛ جلد‌های نهم و دهم در سال ۱۷۱۲ و جلد‌های یازدهم و دوازدهم در سال ۱۷۱۷، یعنی دو سال پس از مرگ گلان، منتشر شدند. این تأخیر در انتشار جلد‌های آخر قابل توجه است که علت آن دشوار بودن دستیابی به مواد برای گلان و همچنین بی‌توجهی او به این جنبه از کار خود به حیث محقق بود. او مادرزاد قصه‌گو بود؛ استعدادی ذاتی برای تشخیص قصه خوب و هنر مخصوصی در بازگویی آن داشت. از این رو، ترجمه خود را با ذائقه‌ی خوانندگان اروپایی‌اش سازگار کرد که این کار گاهی با تغییر در نحوه بیان متن عربی و تفسیر و نقل به معنا، در مواردی که برای اروپاییان بیگانه به نظر می‌رسید، همراه بود. همین امر سبب موفقیت فراوان هزار و یک شب او شد. و اما از جهت موادی نیز که در دسترس او قرار می‌گرفت، بخت با او یار بود. او کار خود را با ترجمه سندباد بحری از نسخه خطی

هزار و یک شب*

ای. لیتمن

ترجمه‌ی دکتر محمد جواد مهدوی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در خواهد یافت که این داستان‌ها گستره‌ی بسیار وسیعی را در برمی‌گیرند: از یک سو، قصه‌های سلیمان، پادشاهان ایران، اسکندر کبیر و خلیفگان و از سوی دیگر، داستان‌هایی که در آنها از انواع سلاح، تنباکو و قهوه سخن به میان آمده است.

ورود هزار و یک شب به اروپا. کل اثر در قالب «داستان در داستان»^۱ بیان شده است. این شیوه در ایتالیای سده‌های میانه شناخته شده بود که نشانه‌هایی از آن را می‌توان در رمانی از جیووانی سرکامبی^۲ (۱۴۲۴-۱۳۷۴) و نیز در داستانی از آستولفو^۳ و جیوگوندو^۴ یافت که آریوستو^۵ (در آغاز قرن شانزدهم) آن را در بیست و هشتمین بند (canto) از کتاب Oriando Furioso بازگفته است. شاید مسافرانی که به شرق سفر می‌کرده‌اند این دانش را با خود به ایتالیا آورده‌اند. اما الف لیله و لیله به صورت کامل در سده‌های هفدهم و هجدهم به اروپا راه یافت. ژان آنتوان گلان^۶ (۱۷۱۵-۱۶۴۶)، محقق و سیاح فرانسوی برای نخستین بار آن را منتشر کرد. او که ابتدا در سمت منشی سفیر فرانسه و سپس برای جمع‌آوری اشیاء برای موزه‌ها

هزار و یک شب عنوان مشهورترین مجموعه افسانه‌های پریان و قصه‌های دیگر در عربی است. امروزه بسیار می‌شنویم یا می‌خوانیم «مانند یکی از قصه‌های پریان هزار و یک شب» و در حقیقت، قصه‌های پریان چشمگیرترین قسمت این مجموعه‌اند. عرب‌ها، همچون دیگر شرقی‌ها، از دیرباز از قصه‌های خیالی لذت می‌برده‌اند؛ اما از آنجا که افق فکری اعراب واقعی در روزگاران کهن پیش از ظهور اسلام بسیار محدود بود، ماده این داستان‌های سرگرم‌کننده عمدتاً از جاهای دیگر، به ویژه ایران و هند، وام گرفته می‌شد؛ این نکته را می‌توان از روایت‌های مربوط به نصر بن حارث بازرگان، از دشمنان پیامبر، دریافت. در دوره‌های بعد که تمدن عربی غنی‌تر و گسترده‌تر شد، بی‌تردید تأثیرپذیری آن از ادبیات سرزمین‌های دیگر فزونی گرفت. خواننده دقیق هزار و یک شب بسیار زود از گونه‌گونی فراوان مطالب آن شگفت‌زده خواهد شد؛ این داستان‌ها از جهتی همچون مرغزاری شرقی به نظر می‌رسند با گل‌هایی رنگارنگ که در لابه‌لای آن‌ها علف‌هایی هرز سربرآورده‌اند. از سوی دیگر، خواننده

امروزه آن را به نام چاپ انتقادی مصری زوتنبرگ می‌شناسیم و در طی چاپ‌های متعدد، متن منقح هزار و یک‌شب شناخته شده است؛ در این باره به مبحث چاپ‌های مختلف این اثر که پس از این خواهد آمد مراجعه کنید. ترجمه فرانسوی فون هامر از برخی داستان‌ها که در ترجمه‌ی گلان نیامده مفقود شده، اما زینسرلینگ^{۱۵} (۱۸۲۳) آن را به آلمانی ترجمه کرد و همین ترجمه را لمب^{۱۶} به انگلیسی (۱۸۲۶) و تروتین^{۱۷} (۱۸۲۸) به فرانسه برگرداندند. در سال ۱۸۲۵م. هابیش^{۱۸} انتشار مجموعه‌ای ۱۵ جلدی را آغاز کرد که به ادعای او ترجمه جدیدی بود، اما در واقع شامل ترجمه گلان به همراه پیوست‌هایی از کاسین، گاویر و اسکات و خاتمه‌ای از نسخه‌ای موسوم به نسخه خطی تونس بود. او همچنین کار انتشار نسخه‌ای عربی را نیز آغاز کرد. ویل^{۱۹} بعدها ترجمه خود را در بین سال‌های ۶۷-۱۸۳۷ از روی این متن به علاوه‌ی متن گلان و نسخه‌های خطی گوتا^{۲۰} و همچنین متنی که در مصر چاپ شده بود، منتشر ساخت.

که معمولاً با عنوان "The Arabian Nights Entertainments" شناخته می‌شود، اکنون برای نخستین بار، از روی نسخه‌ای خطی که میجرترنر^{۲۱} فقید، مصحح شاهنامه، آن را از مصر به هند آورده، به زبان اصلی عربی چاپ می‌شود. به اهتمام دبلیو. اچ. مک ناختن^{۲۲}، در ۴ ج، کلکته، ۴۲-۱۸۳۹.

۴- چاپ برسلاو:

4. The Breslau Edition: *Tausend und Eine Nacht Arabisch. Nach einer Handschrift aus Tunis heraus-gegeben von Dr. Maximilian Habicht, Professor an der Königlichen Universität zu Breslau (etc.), nach seinem Tode fortgesetzt von M. Heinrich Leberecht Fleischer, ordentlichem Prof. der morgenländischen Sprachen an der Universität Leipzig, Breslau I825-43.*

دی. بی. مکدونالد^{۲۳} در مقاله خود درباره‌ی چاپ انتقادی هابیش^{۲۴} در نشریه انجمن سلطنتی آسیایی (*JRAS*)، ۱۹۰۹، ص ۷۰۴-۶۸۵ و نیز در مقاله خود با عنوان *E.G. Brown Volume A Preliminary Classification of Some MSS of the Arabian Nights*،

کمبریج، ۱۹۲۲، ۳۰۴، درباره‌ی ارزش این چاپ بحث کرد. نظر متخصصان او این است که هابیش از سر عمد یک اسطوره ادبی خلق کرده و تاریخچه‌ی هزار و یک‌شب را بسیار آشفته بیان کرده است، زیرا اصلاً چاپ انتقادی تونس از هزار و یک‌شب وجود ندارد و او از دل داستان‌های فراوانی که از بسیاری منابع به دست آورده، چاپ جدیدی از هزار و یک‌شب ترتیب داده که از نظر روش بسیار شبیه ترجمه‌ای است که پدید آورده و پیش از این درباره‌ی آن سخن گفتیم.

در هر حال، مکدونالد اعتقاد دارد که متن‌های هابیش شکل لفظ به لفظ دارند و هیچ کوششی برای تصحیح آن‌ها انجام نگرفته و از این رو، به معنای دقیق کلمه «عامیانه» اند، در حالی که تمام نسخه‌های دیگر را شیخ‌های عالم از نظر نحوی و لغوی «اصلاح کرده‌اند.»

۵- چاپ‌های بعدی بولاق و قاهره: در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم متن کامل چاپ اول بولاق، که عمدتاً مشابه چاپ دوم کلکته بود، چندین بار تجدید چاپ شد. این‌ها نمونه‌هایی از «چاپ انتقادی مصری» زوتنبرگ هستند که محصول تألیفی است توسط یک شیخ در قرن هجدهم. یو. جی. سینزن^{۲۵} در اثر خود با عنوان

Unter-Aegypten, Berlin / 854-5, iii, 188 Transjordan - Linder, Arabia Petraea und Syrien, Palistina, Phñnicien, die

به این نکته اشاره کرده است. نام این شیخ معلوم نیست، اما این اشاره فرضیه زوتنبرگ را تأیید می‌کند. مطبوعه‌ی یسوعی در بیروت چاپی

اوستراپ به دقت در باره‌ی عناصر خارجی در هزار و یک‌شب مطالعه کرده است. یکی از نکته‌های جالبی که او بیان می‌کند این است که در داستان‌های پریوار ایرانی، دیوان یا نیروهای فوق طبیعی به خواست خود و مستقل عمل می‌کنند، در حالی که در حکایت‌های متأخرتر به ویژه حکایت‌های مصری در تسلط یک طلسم یا عنصر جادویی هستند، و صاحب آنهاست که تصمیم می‌گیرد اجنه یا عفريت‌ها چگونه عمل کنند، نه خود آنها

چاپ‌ها و ترجمه‌ها.

چاپ‌های عربی مهم الف لیله و لیله عبارت‌اند از: ۱- نخستین چاپ کلکته: *The Arabian Nights Entertainments; In the Original Arabic, published under the Patronage of the College of Fort William*

به اهتمام شیخ احمد بن محمد شیروانی الیمنی، کلکته، ج ۱، ۱۸۱۴؛ ج ۲، ۱۸۱۸. این اثر فقط دویست شب نخست و داستان سندباد بحری را در برمی‌گیرد.

۲- نخستین چاپ بولاق: چاپ عربی کامل که در سال ۱۸۳۵/۱۲۵۱ (از روی نسخه خطی مصر) در مطبوعه دولتی بولاق در نزدیک قاهره، که موسس آن محمد علی بود، به چاپ رسید.

۳- دومین چاپ کلکته: کتاب الف لیله و لیله یا *the book of the thousand Nights and one Night*

V. Chauvin,
Bibliographie arabe,
 iv, Liege 1900 and
 D.B. Macdonald,
*Abibliographical
 and literary study of
 the first appearance
 of the Arabian
 Nights in Europe*,
 The Library
 Quarterly, Vol. ii,
 no. 4, Oct. 1932,
 387-420.



برخی از داستان‌های عربی را منتشر کرد که پاتریک راسل، مؤلف
The Natural History of Aleppo (1794)، آنها را به طور
 شفاهی برای او ترجمه کرده بود. در سال ۱۸۰۰ جانانان اسکات در اثر خود با
 عنوان *Tales, Anecdotes and Letters* داستان‌های خاصی را از
 یک نسخه خطی هزار و یک شب که جیمز اندرسن آن را از هند آورده بود،
 ترجمه کرد و در سال ۱۸۱۱ بر ویراستی که از یک ترجمه انگلیسی اثر گلان
 منتشر کرد، یک جلد از داستان‌های جدید را که از نسخه خطی دیگری به
 دست آورده بود، افزود. این نسخه خطی در حال حاضر با عنوان نسخه
 ورتلی مونتگاک^۱ در آکسفورد نگهداری می‌شود. پیش‌تر، در سال ۱۸۰۶،
 کاسین دوپرسوال^۲ نیز دو جلد به چاپ خود از اثر گلان پیوست کرده بود.
 اما ادوارد گاویتیر^۳ در چاپ ادعایی خود از اثر گلان (۲۵-۱۸۲۲) از این هم
 فراتر رفت: وی علاوه بر افزودن دو جلد از داستان‌های جدیدی که از منابع
 گوناگون به دست آورده بود، به دلخواه داستان‌های دیگری نیز در لابه‌لای
 هزار و یک شب اثر گلان گنجاند. فون هامر^۴ در اثر خود با عنوان
der Tausend und einen Stuttgart 1823 Nacht,
 بر مبنایی واقعاً مستحکم‌تر قرار دارد و با نگاهی انتقادی به هزار و یک شب
 نگرینست. او در مصر نسخه‌ای به دست آورده که مبنای چاپی قرار گرفت که

به مدت بیش از یک قرن، اروپا هزار و یک شب را برابر می‌دانست با
 ترجمه فرانسوی گلان، و حتی دو داستان از اثر او که متن عربی اصلی آنها
 ناشناخته بود به زبان‌های شرقی ترجمه شد. اما در همین حال،
 نسخه‌های خطی دیگری نیز که کم و بیش با هزار و یک شب ارتباط
 داشتند، یافت شدند و از آنها ترجمه‌هایی انجام گرفت و منتشر شد که
 مکمل کار گلان بود. همچنان که در نسخه‌های خطی مختلف هزار و یک
 شب، داستان‌ها با یکدیگر بسیار تفاوت داشتند، مترجمان نیز آماده بودند
 که هر داستانی را به عربی می‌یابند به هزار و یک شب نسبت دهند. این
 پیوست‌های بعدی که برخی از آنها جداگانه و بعضی همراه با ترجمه گلان
 به چاپ رسیدند، به خودی خود اهمیت دارند و علایق زمانه خود را نشان
 می‌دهند. برای آگاهی از جزئیات بیشتر در این باره ر.ک: کتاب‌شناسی
 شاوین، ج ۴، ص ۱۲۰-۸۲.

در سال ۱۷۸۸ مجموعه داستان‌هایی که دنیس شاوین^۱ از عربی
 ترجمه کرده بود، به عنوان پیوست جلد‌های ۳۸ تا ۴۱ *des fees*
 Cabinet به بازار آمد. جالب توجه است که به سبب علاقه عمومی به
 هر موضوع مرتبط با هزار و یک شب، در بین سال‌های ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۴
 سه ترجمه انگلیسی جداگانه از این پیوست‌ها عرضه شد. در سال
 ۱۷۹۵ ویلیام بلو^۲ در جلد سوم اثر خود با عنوان *Miscellanies*

که به معنای الف خرافة عربی است، زیرا «خرافه» را در فارسی افسانه گویند. مردم این کتاب را الف لیله می‌نامند (در دونسخه الف لیله و لیله آمده است). این، داستان پادشاهی است با وزیرش و دختر او و ندیمه آن دختر. این دوشیرازاد و دنیا زاد^{۲۴} نام دارند (در نسخه‌های دیگر: پرستار او؛ و نیز در برخی نسخه‌های دیگر: و دو دخترش).

در الفهرست محمد بن اسحاق بن ابی‌یعقوب ندیم (نوشته شده در سال ۳۷۷ / ۹۸۷)، به تصحیح فلوگل، ج ۱، ۳۰۴ هزار افسان ذکر شده و خلاصه‌ای از داستان اصلی بیان شده است. الفهرست می‌افزاید که ابو عبدالله بن عبدوس جهشیاری (ف).

۹۴۲/۳۳۱)، مؤلف کتاب الوزراء آغاز به

نگارش کتابی کرد که می‌خواست

در آن هزار حکایت از بین

حکایات اعراب، ایرانیان،

یونانیان و امم دیگر را اختیار کند.

او چهارصد و هشتاد حکایت را

گرد آورد؛ اما اجل مهلتش نداد

که به این آرزوی خود برسد و هزار

حکایت را جمع آورد.

ژوزف فون هامر^{۲۵}

Wiener Jahrbucher, 1819, 236, JA, Ieserie, x; 3e serie, viii; Preface to his *Dien och nicht ubersetzen Erzählungen*)

دوساسی اعتقاد دارد که عبارت مسعودی و همه نتایج آن درست است. ویلیام لین کوشید ثابت کند که تمام اثر متعلق به یک نویسنده است و در بین سال‌های ۱۵۲۵-۱۴۷۵ [میلادی] نوشته شده است (مقدمه *The Arabian Nights Entertainments, London, 1839-41*)

خلاصه این بحث را دوگوزه^{۲۶} مطرح کرد

De Arabische Nachtvertellingen, De Gids, 1886, iii, 385, and The Thousand and One Nights in the Encycl. Britann., xxiii, 316.

او عبارت الفهرست را که در آن آمده بود هزار افسان برای همای (نسخه

بدل: همانی) دختر بهمن‌شاه نوشته شده با عبارتی در طبری (قرن نهم میلادی)، ج ۱، ۶۸۸ مقابله کرد که در آن آمده است استر مادر بهمن است و نام شهرزاد به همای نسبت داده شده و در نتیجه، کوشیده است نشان دهد که داستان اصلی هزار و یک‌شب با کتاب استر مرتبط است. به نظر می‌رسد که آگوست مولر^{۲۷} در اثر خود با عنوان *Sendschreiben* با اثر پذیرای از دو گوزه (Bezenbergers Beitrage, xiii, 222) و نیز در مقاله خود در *Die Deutsche Rundschau, xiii, July 10, 1887, 77-96*

پیشگام حرکت به سوی نگرشی آزادتر شده است. او لایه‌های مختلفی را در این اثر تشخیص داد، که به تصور او یکی از آن‌ها در بغداد نوشته شده، اما منشأ یک لایه دیگر را که بزرگ‌تر هم هست، مصری دانست.

شبه‌گردی خلیفه، خداداد و برادران او، علی خواجه و بازگان بغدادی، از روی نسخه برتون - گلان. ترجمه دانمارکی جی. اوستراپ^{۲۸} در سال ۱۹۲۷ در کپنهاک منتشر شد. ترجمه روسی کراچکوفسکی^{۲۹} در سال ۱۹۳۴ و ترجمه ایتالیایی اف. گابریلی^{۳۰} در سال ۱۹۴۹ انتشار یافت.

خاستگاه و تحول.

هزار و یک‌شب اولین باری که در اروپا شناخته شد، برای خوانندگان اروپایی تنها جنبه سرگرمی داشت؛ اما در آغاز قرن نوزدهم پژوهشگران غربی به تعیین خاستگاه این داستان‌ها علاقه‌مند شدند. سیلوستر دوساسی^{۳۱}،

اگر هند، ایران، بین‌النهرین،

مصر و به‌گونه‌ای ترکان در

شکل‌گیری هزار و یک‌شب

شرکت داشته‌اند، باید پذیریم که

می‌توان موادی از همه این

ملت‌ها و اقوام را در آن یافت

بنیان‌گذار لغت‌شناسی جدید عربی در چندین مقاله به این موضوع پرداخت:

Journal des savants, 1817, 678; Recherches sur l'origine du recueil des contes intitules les Mille et une nuits, Paris 1829; in the Memoires del'Academie des Inscriptions & Belles-Lettres, X, 1833, 30.

او به درستی، وجود تنها یک نویسنده را برای این داستان‌ها انکار کرد و ادعا کرد که این اثر در دوره‌ای بسیار متأخر و بدون عناصر ایرانی و هندی نگاشته شده است؛ در نتیجه، عبارتی در مروج الذهب (نوشته شده در ۳۳۶ / ۹۴۷ و بازنگری شده در ۳۴۶ / ۹۵۷) مسعودی را که به این عناصر اشاره دارد، نادرست دانست. ترجمه این عبارت که باریبه دومینار^{۳۲} آن را به عربی و فرانسه در اثر خود (Les Prairies d'or, iv, 89) آورده، چنین است: «مثل آن‌ها (یعنی برخی داستان‌های افسانه‌ای) همچون مثل کتاب‌هایی است که از فارسی، هندی (در یک نسخه در این جا کلمه «پهلوی» آمده است) و رومی به دست ما رسیده و ترجمه شده است و منشأ آنها به همان شکلی است که ما بیان کردیم، مثلاً از قبیل کتاب هزار افسانه

خسته کننده است و فقط نیمی از شعرها را در بردارد. ۱۷ جلد نخست مبتنی است بر چاپ بولاق و جلد‌های ۱۸ تا ۲۴ که تکمله‌های مختلف را در بردارد، عمدتاً از چاپ برتون ترجمه شده است. در سال ۱۸۹۹ جی. سی. ماردروس^{۳۰} ترجمه‌ای از هزار و یک شب به زبان فرانسوی فراهم آورد که به ادعای خود او از چاپ ۱۸۳۵ بولاق انجام گرفته بود. ترجمه او چندان قابل اعتماد نیست و داستان‌های مختلفی را از مجموعه‌های دیگری جز هزار و یک شب در بردارد. علاوه بر این، از هزار و یک شب ترجمه‌هایی به زبان‌های اسپانیایی، انگلیسی، لهستانی، آلمانی، دانمارکی، روسی و ایتالیایی نیز وجود دارد. ترجمه اسپانیایی را ویسنتو بلاسکو ایبانیز^{۳۱} و ترجمه انگلیسی را ای. پویز میترز^{۳۲} انجام داده‌اند و ترجمه لهستانی هنوز ناقص است. ترجمه آلمانی ای. لیتمن^{۳۳} در ۶ جلد در سال‌های ۸-۱۹۲۱ در لایپزیک منتشر شد و چاپ دوم آن در سال ۱۹۵۳ در ویسبادن و چاپ مجدد آن در همان شهر در سال ۱۹۵۴ انتشار یافت. این اثر شامل ترجمه کامل چاپ دوم کلکته و نیز داستان‌های زیر است. علاءالدین و چراغ جادو، از روی

مستقل اما منقح از نسخه دیگری از همان چاپ انتقادی منتشر کرد (۱۸۸۸-۹۰).

تمام ترجمه‌های جدید غربی براساس چاپ انتقادی مصر انجام شده‌اند. انتشار ترجمه لین^{۳۴}، که با وجود ناقص بودن، به سبب شرح کاملی که دارد بسیار ارزشمند است، به صورت پاره پاره در سال ۱۸۳۹ آغاز شد و در سال ۱۸۴۱ پایان یافت. این ترجمه از چاپ نخست بولاق صورت گرفت. ترجمه پاینه^{۳۵} از چاپ مک ناختن کامل بود و در سال‌های ۸۴-۱۸۸۲ در نه جلد به صورت شخصی منتشر شد. سه جلد دیگر داستان‌های موجود در چاپ‌های برسلاو و چاپ نخست کلکته را در برمی‌گرفت (۱۸۸۴) و جلد سیزدهم (۱۸۸۹) نیز شامل داستان‌های علاءالدین و زین الاصلام می‌شد. پس از مرگ پاینه در سال ۱۹۱۶ چند تجدید چاپ کامل انجام شده است. ترجمه سرریچارد برتون نیز که از روی چاپ مک ناختن انجام گرفته، بسیار به چاپ پاینه مرتبط است و غالباً متن پاینه را به صورت لفظ به لفظ بازمی‌آفریند (۱۰ جلد، ۱۸۸۵؛ ۶ جلد تکمیلی، ۸-۱۸۸۶).

این اثر، در کنار چاپ اسمیتز^{۳۸}

(۱۲ جلد، ۳۰، ۱۸۹۴) و

چاپ خانم برتون (۶

جلد، ۸-۱۸۸۶)، چندین

بار به صورت کامل

تجدید چاپ شده است.

درباره‌ی ارتباط عجیب

ترجمه‌های پاینه و

برتون نک: آثار توماس

رایت^{۳۹} با عنوان



پرتال جامع علوم انسانی

نسخه پاریس به تصحیح زوتنبرگ؛ علی بابا و چهل دزد بغداد از روی نسخه آکسفورد به تصحیح مکدونالد (نشریه انجمن سلطنتی آسیایی، ۱۹۱۰، ۲۲۱ و بعد، ۱۹۱۳، ۴۱ و بعد)؛ شاهزاده احمد و پری بانو از روی چاپ برتون، یعنی ترجمه‌ای انگلیسی از یک نسخه هندوستانی که از اثر گلان اقتباس شده؛ ابوالحسن یا خواجه‌ی بیدار از روی چاپ برسلاو؛ مکر زنان، از روی چاپ نخست کلکته، پایان سفر ششم سندباد و سفر هفتم او از روی چاپ نخست کلکته؛ تکمله داستان شهر براس؛ پایان داستان سندباد و هفت وزیر؛ داستان ملک ظاهر رکن الدین بیبرس البندقداری و شانزده نگهبان از روی چاپ برسلاو؛ خواهران حسود از روی نسخه برتون - گلان؛ زین الاصلام از روی یک نسخه پاریسی به تصحیح اف. گراف؛^{۳۴}

Life of Sir Richard Burton (2 Vols., London 1906) *Life of John Payne* (London, 1919)

و برای مطالعه بررسی مقایسه‌ای ترجمه‌های انگلیسی یاد شده نک: اثر مکدونالد با عنوان

On translating the Arabian Nights, The Nation, New York, Aug. 30 and Sep. 6, 1900.

ماکس هنینگ در *Reclam's Universal Bibliothek* ترجمه‌ای آلمانی را در ۲۴ جلد منتشر کرد. این ترجمه تاحدی منقح و نسبتاً

متعلق به قرن هشتم (میلادی). به اعتقاد او، این ترجمه به احتمال زیاد ترجمه‌ای کامل و تحت اللفظی بوده که شاید عنوان الف خرافه را داشته است.

۲- ترجمه‌ای اسلامی شده از هزار افسان متعلق به قرن هشتم، با عنوان الف لیله این ترجمه ممکن است همه اثر اصلی یا بخشی از آن را در برداشته باشد.

۳- الف لیله ترکیبی متعلق به قرن نهم که هم موادی فارسی را در خود دارد و هم موادی عربی را. اکثر مواد فارسی از هزار افسان گرفته شده‌اند، اما بعید نیست که از کتب داستانی دیگر، به ویژه کتاب سندباد و کتاب شماس، نیز استفاده شده باشد. مواد عربی نیز همچنان که لیتمن گفته بود - برخلاف نظر مکدونالد، چندان اندک و بی اهمیت نیست. ۴- کتاب الف سمر ابن عبدوس متعلق به قرن دهم. روشن نیست که آیا منظور از نوشتن این اثر آن بوده که، علاوه بر استفاده از موارد دیگر، تمام الف لیله را دربرگیرد و جایگزین آن شود یا نه. ۵- مجموعه‌ای متعلق به قرن دوازدهم که موادی از مورد ۴ و نیز حکایت‌هایی آسیایی و مصری با ترکیب مصری محلی به آن افزوده شده است. به احتمال نزدیک به یقین، تبدیل عنوان الف لیله و لیله در این دوره انجام گرفته است. ۶- آخرین مراحل رشد مجموعه تا اوایل قرن شانزدهم. حکایت‌های پهلوانی درباره‌ی جنگ‌های مسلمانان بر ضد صلیبیان، از جمله‌ی مهم‌ترین افزوده‌هاست. شاید ایران و عراق در افزودن برخی حکایت‌های متأخرتر، که بیشتر متعلق به خاور دور است،

در آستانه‌ی تصرف این دوسرزمین به دست مغولان در قرن سیزدهم، نقش داشته‌اند. تصرف نهایی شام و مصر مملوکی به دست [سلطان] سلیم اول عثمانی (۲۰-۱۵۱۲) فصل اول تاریخ هزار و یک شب را در موطن شرقی‌اش به پایان می‌آورد. احتمال دارد هنگامی که اعراب داستان اصلی را با داستان‌های دیگر در می‌آمیختند، عنوان آن نیز از هزار افسان به هزار شب تغییر یافته باشد و این کار نمی‌تواند پس از قرن نهم [میلادی] انجام گرفته باشد. در اصل، هزار

افسان فقط به معنای تعداد زیادی داستان بوده است؛ همچنان که درباره‌ی شهرزاد نیز می‌گویند او هزار کتاب جمع آورده بوده است. برای ذهن ساده، حتی ۱۰۰ هم عدد بزرگی است و «پیش از ۱۰۰ سال» - حتی برای مورخان شرقی - به معنای «مدت زمان درازی پیش از این» است؛ از این رو، عدد ۱۰۰ را نباید به معنای دقیق آن گرفت. اما هزار تقریباً مترادف «غیرقابل شمارش» است. و کتاب هزار شب که در بغداد آن را به ندرت می‌شناختند، شامل هزار شب جداگانه بود. اما چرا ۱۰۰۰ به ۱۰۰۱ تبدیل شد؟ این تغییر ممکن است تاحدی ناشی از بیزاری خرافی از اعدادگرد باشد که در بین اعراب و ملت‌های دیگر رایج است. اما احتمال زیاد نیز دارد که این امر ناشی از تأثیر کاربرد اصطلاحی بین‌بیر (هزار و یک) در بین ترک‌ها باشد که آن را به معنای تعداد زیاد به کار می‌برند: در آناتولی ویرانه‌هایی هست به نام بین (مین) بیر کلیسه (هزار و یک کلیسا)، اما مطمئناً این همه کلیسا در آن جا وجود ندارد. در استانبول محلی هست به نام بین بیر دیرک (هزار و یک ستون)، اما در آن جا فقط چند ده ستون دیده می‌شود. تجانس آوایی بین بیر ترکی ما را به ریشه‌آن یعنی ترکیب هزار و یک در فارسی و عنوان الف لیله و لیله سوق می‌دهد. از قرن یازدهم میلادی بدین سو، ایران، بین‌النهرین، شام و دیگر کشورهای شرق جهان اسلام تحت سلطه ترکان بودند. بدین ترتیب، عنوان «۱۰۰۱ شب»

دسته نخست، حکایت‌های پریوار مأخوذ از هزار افسانه فارسی و نیز داستان چارچوبی کتاب؛ دسته دوم حکایت‌های بغدادی؛ و دسته سوم داستان‌های خاصی را که به مجموعه اثر افزوده شده بود، شامل می‌شد. داستان‌های خاصی همچون داستان طولانی و عیارانه عمر بن نعمان، هنگامی افزوده شد که عدد ۱۰۰۱ را به معنای لفظی آن تلقی کردند. اما داستان سول و شمول که در یک نسخه خطی توبینگن آمده و ادعا می‌شود بخشی از هزار و یک شب است و سیبولد^{۱۵} آن را تصحیح کرده است، مطمئناً هیچ‌گاه جزو حکایت‌های هزار و یک شب نبوده، چرا که در آن یک مسلمان مسیحی می‌شود؛ حال آن که در هزار و یک شب واقعی مسیحیان، زردشتیان و بت پرستان مسلمان می‌شوند، اما هیچ‌گاه یک مسلمان به دین دیگری نمی‌گردد.

مکدونالد قالب‌های زیر را برای هزار و یک شب در نظر گرفت و تثبیت کرد. (The earlier history of the Arabian Nights, JR AS 1924, 353 ff.)

که منظور از آن هر مجموعه‌ای است که در چارچوب شناخته شده ما نمی‌گنجد: ۱- اصل فارسی هزار افسان ۲- بازگردان عربی هزار افسان ۳- چارچوب داستانی هزار افسان و سپس داستان‌های دارای اصلی عربی

احتمال دارد هنگامی که اعراب داستان اصلی را با داستان‌های دیگر در می‌آمیختند، عنوان آن نیز از هزار افسان به هزار شب تغییر یافته باشد و این کار نمی‌تواند پس از قرن نهم میلادی انجام گرفته باشد

۴- داستان‌های مربوط به اواخر دوران خلافت فاطمی که القرطبی بر رواج آنها گواهی می‌دهد ۵- چاپ انتقادی نسخه خطی گلان که بر اساس یادداشت‌های آن، این نسخه در سال ۹۴۳ / ۱۵۳۶ در

طرابلس شام و در سال ۱۵۹۲/۱۰۰۱ در حلب بوده است؛ البته ممکن است این نسخه از این هم کهن تر بوده، اما در مصر نوشته شده است. در هر حال، این مشکل همچنان حل نشده باقی می‌ماند که ارتباط این نسخه با نسخه‌های کهن و مستقل دیگر چیست؛ بنا به گفته مکدونالد دست کم شش نسخه از این دست را باید در نظر گرفت. نیه آبوت شش قالب زیر را در نظر گرفت: ۱- ترجمه‌ای از هزار افسان

*A Ninth-century Fragment of the "Thousand Nights".
New light on the Early History of the Arabian
Nights, Journal of Near Eastern studies, 1949.*

تودور نلکه دیدگاه لایه‌های مختلف را با دقت بیشتری بسط داد
(*Zu den agyptischen Marchen, ZDMG, 1888, 68*)
و توصیفی تقریبی از متن‌ها ارائه کرد که با استفاده از آن هر متن را می‌توان
تشخیص داد. نلکه محتوای هزار و یک

شب را چندین بار بررسی و توصیف
کرد. در این زمینه، اثر اوستراپ^{۳۴} با
عنوان *Studier over 1001 Nat*,
Copenhagen, 1891 اهمیت خاصی
دارد. کریمسکی^{۳۵} این نوشته‌ها را به
روسی *Moscow, 1001 noci*,
(Izslidowanie o 1005,
همراه مقدمه‌ای طولانی) و رشر^{۳۶}
به آلمانی

*"Oestrups Studien uber
1001 Nacht" ausdem
Danischen (nebst
einigen Zusatzen)
,Stuttgart 1925*



سپس، نام هزار و یک شب در اثر مسعودی و در الفهرست آمده است.
در قرن دوازدهم مجموعه‌ای از حکایات به نام، هزار و یک شب در مصر
شناخته شده بوده است. کسی به نام القرطی که تاریخ مصر در زمان آخرین
خلیفه فاطمی (۷۱-۱۱۶۰) را نگاشته به این نکته اشاره کرده و چنان که
توری دریافته (JAOS, 1894, 42 F.)، الغزولی (ف. ۸۱۵ / ۱۴۱۲) در
گزیده‌ی خود داستانی از هزار و یک شب را نقل کرده است. یک نسخه
خطی که هلموت ریتران رادر استانبول یافته و متعلق به قرن سیزدهم یا
چهاردهم میلادی است، چهار داستان را در بردارد که در چاپ انتقادی مصر
نیز آمده است. این داستان‌ها به عنوان بخشی از هزار و یک شب در
نظر گرفته نمی‌شود و سپس براساس بررسی و مطالعه ابتدایی که‌ای. فون
بالرینک^{۳۷} انجام می‌دهد، اچ. وهر^{۳۸} آنها را منتشر و ترجمه می‌کند.
می‌دانیم که در هزار و یک شب در شکل معمول، قسمتی مربوط به بغداد و
مصر است. اوستراپ حکایت‌های مختلف را به سه دسته تقسیم کرد که

ترجمه کرد. همچنین گالتیه^{۳۹} خلاصه‌ای از آن را به زبان فرانسه همراه با
یادداشت‌هایی، در سال ۱۹۲۵ در قاهره منتشر ساخت. بحث‌های بدیع
دیگری در این موضوع را هورویتز^{۴۰} انجام داد، عمدتاً در مقاله خود با
عنوان: *Die Entstehung von Tausendundeine Nacht*,
*The review of no. 4, April, 1927; idem in IC,
Nations, Tausendundeine Nacht in der
1927 Littmann, arabischen*
نیزنک:
*Literatur, Tubingen 1923, and Die
Entstehung und Geschichte von
Tausendundeiner Nacht in the Anhang to
littmann's translation.*
نخستین شاهد بر وجود کتاب هزار و یک شب را نیبه‌آبوت کشف کرد، در:

زیرک وزیر در روزگاران کهن از هند به ایران آمده باشد و در آن جا «بومی» و با دو قسمت دیگر داستان چارچوبی آمیخته شده باشد. پاره‌ای حکایت‌های هزار و یک شب اصل هندی دارند که از این قبیل است: داستان مرد زاهد که راهبان بودایی و جینی را به یاد می‌آورند، حکایت‌های حیوانات، مجالس قصه‌گویی سندباد حکیم و داستان جلعاد و شماس. در قسمت‌های مختلف هزار و یک شب، بن‌مایه‌هایی هندی نیز می‌توان یافت، از قبیل: داستان اسب جادویی؛ مسموم کردن به وسیله اوراق کتاب (به دست دوبان طبیب) که شیوه‌ای هندی است

(Cf. Gildemeister, *Scriptorum Arabum De Rebu Indicis loci et opuscula*, Bonn 1838, 89)

ساختار داستان در داستان
که در هند بسیار رواج دارد،
اما در کشورهای دیگر
بسیار نادر است، میزانی
است برای تعیین ریشه‌ی
هندی بخش‌های خاصی از
هزار و یک شب

تمام این عناصر از طریق ایران به دست عرب‌ها رسیده است. فقط تعدادی از داستان‌ها ریشه ایرانی دارند، به ویژه داستان‌های پریواری که در آنها ارواح و پریان به صورت مستقل عمل می‌کنند. داستان‌هایی که اوستراپ آنها را دارای اصل ایرانی - هندی می‌داند عبارت‌اند از: ۱- داستان اسب جادویی؛ ۲- داستان حسن بصری؛ ۳- داستان سیف الملوک؛ ۴- داستان قمرالزمان و شاهزاده خانم بدور، ۵- داستان شاهزاده بدر و شاهزاده خانم جوهره سمندلی؛ ۶- داستان اردشیر و حیات النفوس. به نظر او نمی‌توان با اطمینان گفت که داستان علی شار منشأ فارسی دارد. این داستان جزئیاتی دارد که در داستان نورالدین علی و دختر کمر بسته که روایت آن احتمالاً متأخرتر است و در هزار و یک شب نیز آمده است - دیده می‌شود. داستان خواهران حسود و داستان احمد و پری بانو که تنها در اثر گلان یافت می‌شوند، به شدت این احساس را به انسان القا می‌کنند که در اصل فارسی‌اند، اما پیش نمونه‌های فارسی آنها هنوز به دست نیامده است.

بغداد در منطقه بابل قدیم جای دارد؛ در نتیجه، احتمال دارد که اندیشه‌های بابل قدیم تا دوره‌های اسلامی در آن جا استمرار یافته و در

هزار و یک شب منعکس شده باشد. حتی یک داستان کامل یعنی داستان حیقار حکیم، که در بعضی نسخه‌های هزار و یک شب آمده است، از بین‌النهرین کهن سرچشمه می‌گیرد؛ این داستان احتمالاً متعلق به قرن هفتم پیش از میلاد است و از ادبیات یهودی و مسیحی به ادبیات عربی راه یافته است. خضر همیشه جوان، پیش نمونه‌ای در بابل دارد؛ سفرهای بلوقیا و آب حیات که شاهزاده احمد بدان دست می‌یابد، ممکن است بن‌مایه‌های حماسه بابلی گیل گمش را منعکس سازد. اما داستان خضر و آب حیات ممکن است از طریق داستان اسکندر و سفرهای بلوقیا از طریق ادبیات یهودی به دست اعراب رسیده باشد. افزون بر این، داستان‌های مکرر درباره‌ی خلفای عباسی و دربار آنها و نیز حکایات مربوط به زیردستان آنها، متعلق به بازنویسی هزار و یک شب در بغداد است. داستان سندباد بحری شکل قطعی خود را احتمالاً در بغداد یافته است؛ داستان عمر بن النعمان دارای مواد ایرانی، بین‌النهرینی و سوری است؛ داستان عجیب و غریب به بین‌النهرین و ایران اشاره دارد؛ داستان توددکنیز زیرک در بغداد شکل گرفته و از بعضی جهات در مصر بازسازی شده است. مطمئناً داستان‌های بلوقیا، سندباد حکیم، جلعاد و وردخان در بغداد مشهور بوده‌اند. اما هیچ دلیل خاصی وجود ندارد که همه‌ی این داستان‌ها بخشی از بازنویسی بغداد هستند. درباره‌ی چهار داستانی که هلموت ریتز در نسخه استانبول کشف کرده نیز باید همین سخن را گفت: این نسخه چهار داستان هزار و یک شب [کنونی] را دربر دارد، اما ربطی به الف لیله و لیله ندارد. این داستان‌ها چنین‌اند: ۱- داستان شش مرد، یعنی شش برادر سلمانی بغداد؛ ۲- داستان جلنار بحریه ۳- داستان بدور و عمیر بن جبیر؛ ۴- داستان ابو محمد تنبل. داستان‌هایی با ویژگی‌های زیر را باید دارای اصل مصری دانست: داستان‌هایی که حقه‌های دزدان و دغلبازان زیرک را نقل می‌کند؛ داستان‌هایی که ارواح و دیوها در آنها در خدمت طلسم یا شیئی جادویی هستند؛ و داستان‌هایی که شاید بتوان آنها را «رمان‌های بورژوازی» نامید و برخی از آنها شبیه رمانس‌های جنسی جدید هستند. البته همه این داستان‌ها، از نظر تاریخی، متعلق به دوره‌ی سلاطین مملوکی و هنگام تسلط ترکان بر مصر است. اما برخی از بن‌مایه‌ها به مصر باستانی بازمی‌گردد. چنان که نلدکه خاطر نشان کرده است علی زیبق رند و دوستش احمد دنف پیش نمونه‌ای در کاندوتیر^{۳۴} آمازیس^{۳۵} دارند و گنج رامپسینت در داستان علی زیبق یافت می‌شود.

ممکن است پیش نمونه میمون - کاتب در داستان سه بانوی بغدادی، توت^{۳۶} کاتب خدایان مصری - که غالباً به شکل میمون نشان داده می‌شود - و یا هانومان^{۳۷} - میمون - راهنمای رامایانای هندی - باشد. همچنین داستان مردکشتی شکسته مصری با سفرهای سندباد، و داستان تصرف یافا به دست جنگجویان مصری که در جوال مخفی شده بودند با مشابه آن در داستان علی بابا مرتبط دانسته شده‌اند، اما احتمال وجود چنین روابطی چندان قوی نیست، در این باره نک: Littmann, *Tausendundeine Nacht in der arabischen Literatur*, 22.

درباره‌ی احتمال تأثیر یونان بر هزار و یک شب نک:

Von Grunebaum, *Medieval Islam*, Chicago, 1946, Chapter Nine, *Greece in the Arabian Nights*

اوستراپ به دقت درباره‌ی عناصر خارجی در هزار و یک‌شب مطالعه کرده است. یکی از نکته‌های جالبی که او بیان می‌کند این است که در داستان‌های پریوار ایرانی، دیوان یا نیروهای فوق طبیعی به خواست خود و مستقل عمل می‌کنند، در حالی که در حکایت‌های متأخرتر به ویژه حکایت‌های مصری در تسلط یک طلسم یا عنصر جادویی هستند، و صاحب آنهاست که تصمیم می‌گیرد اجنه یا عفريت‌ها چگونه عمل کنند، نه خود آنها. در این جا تنها به اختصار می‌توان به عناصر بیگانه در هزار و یک‌شب اشاره کرد.

داستان چارچوبی، دارای اصل هندی است. امانوئل کاسکین^{۵۲} در Etudes folkloriques Paris 1922, 265 نشان می‌دهد که این اثر شامل سه قسمت مختلف است که در اصل داستان‌های مستقلی بوده‌اند. این قسمت‌ها عبارت‌اند از: ۱- داستان مردی که از دست زنی بی‌وفا

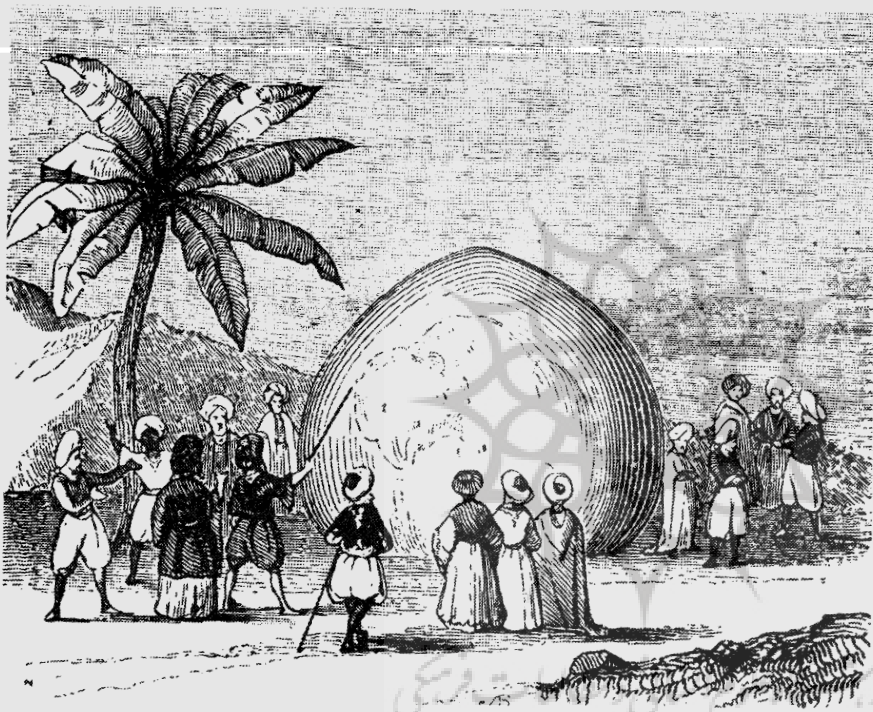
در ابتدا فقط به معنای شب‌های بسیار زیاد بود، اما بعدها آن را به معنای حقیقی‌اش گرفتند و ضرورت یافت که بسیاری داستان‌های دیگر نیز به آن بیفزایند تا عدد ۱۰۰۱ کامل شود.

اجزاء سازنده اثر.

اگر هند، ایران، بین‌النهرین، مصر و به‌گونه‌ای ترکان در شکل‌گیری هزار و یک‌شب شرکت داشته‌اند، باید بپذیریم که می‌توان موادی از همه این ملت‌ها واقوام را در آن یافت. نخستین بررسی‌های سطحی را می‌توان براساس اسم‌های خاص انجام داد. اسم‌هایی هندی همچون سندباد و نام‌هایی ترکی همچون علی بابا و خاتون در آن وجود دارند؛ نام‌هایی همچون شهرزاد، دنیا‌زاد و شاه زمان فارسی هستند و چنان که دو گوژو نشان داده، در افسانه‌های ایرانی به کار می‌روند. نیز بهرام، رستم،

اردشیر، شاپور و بسیاری اسامی دیگر فارسی هستند. با این حال، اکثر نام‌ها

عربی‌اند: نام‌های عربی قدیم که در بین بدویان به کار می‌رفت و نام‌های اسلامی متأخرتر. در موارد بسیار اندکی که داستان مربوط به روابط مسلمانان با بیزانسی‌ها و فرانک‌هاست، نام‌هایی یونانی و اروپایی به چشم می‌خورد. نام‌های مصری به مکان‌ها و ماه‌های قبطی اشاره دارد. از بین نام‌های عبری عمدتاً سلیمان و



پژوهش‌های علمی و فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اندوه‌گین است، اما وقتی می‌بیند شخصیتی بسیار والا نیز همان درد را دارد، اندوهش تسکین می‌یابد. ۲- داستان جن یا عفريتی که همسر یا کنیز او به همراه مردان دیگری به وقیحانه‌ترین شکل به او خیانت می‌کنند. این شبیه داستانی است که وزیر هفتم در داستان سندباد حکیم بازمی‌گوید.

۳- داستان دختر زیرکی که با مهارت خود در قصه‌گویی، شخصیت شروری را که قصد آزار او یا پدرش یا هر دو آنها را دارد، از فکر خود منصرف می‌کند. از این بین، به نظر می‌رسد که فقط قسمت سوم به داستان چارچوبی اصلی تعلق دارد، چنان که مسعودی و الفهرست به این نکته اشاره‌ی ضمنی دارند؛ اما در آن فقط پادشاه ستمگر، دختر زیرک و وزیر و ندیمه‌ی سالخورده و صادق او باقی مانده‌اند. احتمال دارد که داستان دختر

داوود به کار می‌روند که هر دو نقش مهمی در سنت اسلامی دارند. علاوه بر این، از آصف برخیا، بلوقیا و دیگران نیز نام برده شده است. اما از آن جا که در بسیاری موارد، داستان‌ها به افراد دیگری نسبت داده شده‌اند و در بسیاری از داستان‌ها افراد بدون نام نقش دارند، نباید بر نام‌ها چندان تأکید کرد.

در هر حال، ساختار داستان در داستان که در هند بسیار رواج دارد، اما در کشورهای دیگر بسیار نادر است، میزانی است برای تعیین ریشه‌ی هندی بخش‌های خاصی از هزار و یک‌شب. در داستان‌های عامیانه هندی مواردی از این قبیل فراوان است: «اگر چنین و چنان کنی، همچون فلان و فلان خواهی شد» و دیگری می‌پرسد: «چگونه است آن؟» و سپس اندرز دهنده حکایت را آغاز می‌کند.

و به هزار و یک شب نیز راه یافته‌اند. به نظر می‌رسد بیشتر این داستان‌ها در اصل هندی هستند، از قبیل سفرهای طولانی سندباد حکیم و داستان جلعاد و وردخان و بسیاری از داستان‌های حیوانات، اما گاهی اوقات این داستان‌ها شکل عربی به خود گرفته‌اند. داستان طولانی توددکنیز (در اسپانیایی *La doncella Teouor* و در آثار ابن سینا تودد) که بنا بر آنچه هورویتز به درستی بیان کرده، احتمالاً پیش نمونه‌ای یونانی دارد، در این گروه جای می‌گیرد.

۵- داستان‌های خنده‌دار عبارت‌اند از: ابوالحسن یا خوابیده بیدار، خلیفه ماهیگیر، جعفر برمکی و بادیه‌نشین پیر و علی فارسی. مورد اخیر نمونه‌ی داستان‌های دروغ‌آمیز است. داستان‌های معروف پینه‌دوز و گوژپشت دارای ویژگی‌های خنده‌آور زیادی هستند.

۶- گروه حکایت‌ها شامل همه داستان‌هایی است که در

درباره‌ی فقرا و ثروتمندان، درباره‌ی جوانان و پیران، درباره‌ی ناهنجاری‌های جنسی (وردان و زن صاحب خرس؛ شاهزاده خانم و میمون)، درباره‌ی خواجگان بد، درباره‌ی قاضیان ظالم یا زیرک و درباره‌ی معلمان ابله (این نوع در ادبیات یونانی و رومی و نیز در داستان‌های عربی مصری جدید شناخته شده است). شبگردی خلیفه که تنها گلان آن را نقل کرده، شامل سه حکایت طولانی است که یک جا گفته شده و با بن‌مایه‌هایی از داستان‌های پریوار درآمیخته است.

بنا به گفته هورویتز، در: (Festschrift Sachau, Berlin 1915, 375-9) حدود ۱۴۲۰ شعر یا پاره شعر در چاپ دوم کلکته وجود دارد. با کسر کردن تعداد ۱۷۰ شعر مکرر، ۱۲۵۰ شعر باقی می‌ماند. هورویتز توانسته ثابت کند نمونه‌های شعری که او سرایندگان آنها را کشف کرده، متعلق به مابین قرن‌های دوازدهم تا چهاردهم [میلادی] هستند، یعنی دوره‌ی مصری تاریخ هزار و یک شب. این شعرها و بیت‌ها عمدتاً به گونه‌ای هستند که می‌توان آنها را حذف کرد بی‌آنکه که به روند متن منثور آسیبی وارد آید؛ بدین ترتیب، روشن می‌شود که این شعرها بعداً به متن افزوده شده‌اند.

کتاب‌شناسی: منابع در طی مقاله ارائه شده‌اند. در این جا باید بر اهمیت Studier اثر اوستراپ و ترجمه تفسیری آن توسط رشد (ر. ک: پیش از این)؛

Themes et Motifs des Mille et Une

Nuits, Beirut, 1949

اثر ان. الیسیف^{۶۲} و نیز کتاب‌شناسی کامل بروکلیمان، II, 72-4, SII, 59-63 تأکید کرد. برای آگاهی از تأثیر هزار و یک شب بر ادبیات اروپایی ر. ک:

The Legacy of Islam, 199ff; Cassel's

Encyclopaedia of Literature, S. V.

تعدادی از داستان‌ها

ریشه ایرانی دارند، به

ویژه داستان‌های

پریواری که در آنها ارواح

و پریان به صورت

مستقل عمل می‌کنند علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گروه‌های قبلی جای نمی‌گیرند. مجموعه‌های حکایت‌ها عبارت‌اند از: داستان‌های گوژپشت و سلمانی و برادرانش. این داستان‌ها با نوعی فکاهی دارای سطح عالی ترکیب شده‌اند. دیگر حکایت‌ها را باید به سه گروه تقسیم کرد: داستان‌های حاکمان و اطرافیان آنها، داستان‌های مردان بخشنده، و داستان‌هایی که از زندگی افراد عادی گرفته شده‌اند. داستان‌های حاکمان با اسکندر کبیر آغاز می‌شود و با سلاطین مملوکی پایان می‌یابد. از بین این داستان‌ها تعداد اندکی درباره‌ی پادشاهان ایران است و تعداد زیادی از آنها درباره‌ی خلفای عباسی، به ویژه هارون الرشید، که مسلمانان بعدی او را حاکم مطلوب می‌پنداشتند. برخی از این داستان‌ها ممکن است نه از بغداد بلکه از مصر ریشه گرفته و به او نسبت داده شده باشند. مردان بخشنده‌ای که داستان آنها در هزار و یک شب آمده عمدتاً عبارت‌اند از: حاتم طایی، معن بن زائده و برمکیان. حکایت‌های مربوط به زندگی افراد عادی بر چند نوع است:

* این مقاله ترجمه‌ای است از مدخل *ALF LAYLA WA-LAYLA* در: *Encyclopaedia of Isalm*, Leiden, Brill, 2nd Edition.

1. Fram-story
2. Giovanni Sercambi
3. Astolfo
4. Giocondo
5. Ariosto
6. Jean Antoin Galland
7. Nabia Abbott
8. PÂtis de la Croix
9. Denis Chavis
10. William beloe
11. Wortley Montague



انواع ادبی گوناگون.

باید گزارش مختصری از رده‌های مختلف ادبیات که در هزار و یک شب دیده می‌شود ارائه داد. البته در این جا ممکن نیست، بدان گونه که در Anhang درباره‌ی ترجمه‌ی لیتمن انجام شده، یک داستان‌ها را یادکرد. در این مورد، شش گروه اصلی تشخیص داده شده‌اند: ۱- داستان‌های پریوار؛ ۲- رمانس‌ها و رمان‌ها؛ ۳- افسانه‌ها؛ ۴- داستان‌های آموزنده؛ ۵- داستان‌های خنده‌دار؛ ۶- حکایت‌ها. در این جا ذکر چند نمونه از هر گروه کافی است.

۱- داستان چارچوبی شامل سه داستان پریوار هندی است. داستان‌هایی که در همه‌ی نسخه‌ها در ابتدا آمده‌اند (بازرگانان و جنی؛ ماهیگیر و جنی؛ حمال؛ سه تقویم و سه زن بغدادی؛ گوژپشت) جزو این دسته‌اند. این داستان‌ها خود نمونه‌ای از شیوه داستان در داستان هستند و ویژگی‌هایی دارند که پیش نمونه‌های هندی و حتی برخی بن مایه‌هایی را به ذهن می‌آورند که مشابه آنها در داستان‌های شرق دور دیده می‌شود. مشهورترین داستان‌های پریوار، داستان‌های علاء‌الدین و چراغ جادو و علی بابا هستند.

نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از: قمرالزمان و بدور، خواهران حسود، شاهزاده احمد و پری بانو، سیف الملوک، حسن بصری، زین الاصلام.

۲ - طولانی‌ترین رمانس، داستان عمر بن النعمان و پسرانش است. پارت^{۸۷}

(Der Ritterroman von Umaran-Nucman, Tubingen 1927)

واچ. گریگوارو ار. گوسنس^{۸۶}

(ZDMG 1934, 213: Byzantinisches Epos und arabischer Ritterroman)

در این باره بحث کرده‌اند. داستان عجیب و غریب نمونه یک رمانس عامیانه اسلامی است. داستان‌های حمال و سه بانو، علاء‌الدین ابوالشامات، نورالدین و شمس‌الدین، نورالدین و مریم girdle-girl و نیز داستان ابوقیر و ابو صیر را باید رمانس‌ها یا رمان‌های بورژوازی نامید. داستان‌های عاشقانه را نیز می‌توان به این گروه افزود. تعداد این داستان‌ها در هزار و یک شب بسیار زیاد است که سه موضوع را شامل می‌شوند: الف) زندگی عربی پیش از اسلام؛ ب) زندگی شهری در بغداد و بصره، روابط عشقی با دختران یا کنیزکان در شهرها یا در قصر خلفا؛ ج) رمان‌های عاشقانه از قاهره که گاهی بسیار سبک و شهوانی است.

نک: Paret, Fruharabische Liebesgeschichten, Bern 1927

از داستان‌های عیاران و دریانوردان نیز باید در این جا یادکرد. درباره علی زبیک به مطالب پیش گفته رجوع کنید. داستان‌های کوتاه بسیاری درباره‌ی پاسبانان پیش از حاکمان مصر بیان شده است. داستان مشهور

سندباد بحری مبتنی بر کتابی است به نام عجایب هند که یک ملاح ایرانی آن را در قرن دهم میلادی در بصره گرد آورده است. قسمت اول داستان ابومحمد تنبل شامل داستان‌های دریانوردان و بن مایه‌های داستان‌های پریوار است.

۳- تعداد اندکی افسانه‌های عربی کهن نیز در هزار و یک شب گنجانده شده‌اند، مانند: حاتم طایی، ارم ذات العماد، شهر براس، شهر لیبته که به تصرف شمال غرب آفریقا به دست عرب‌ها اشاره دارد. افسانه‌های دیگری نیز به مردان و زنان پارسا اشاره دارند، که از جمله آنهاست داستان‌های پارسایان یهودی (لازم نیست این

داستان‌ها را حتماً به نویسندگان یهودی نسبت دهیم)؛ افسانه شاهزاده پارسا که پسر هارون الرشید بود و درویشی پیشه کرد یادآور افسانه مشهور الکسیوس^{۸۴} است.

۴- داستان‌های آموزنده، داستان‌های حیوانات و تمثیل‌ها، به ویژه آنها که مربوط به حیوانات هستند، در نزد بسیاری از اقوام شناخته شده‌اند



12. Caussin de Perceval
13. Edouard Gauttier
14. Von Hammer
15. Zinserling
16. Lamb
17. TrAbutien
18. M.Habicht
19. Weil
20. Gotha
21. Major Turner
22. W.H. Macnaghten
23. D.B.Macdonald
24. Habicht
25. U.J.Seetzen
26. Lane
27. Payne
28. Smithers
29. Thomas Wright
- 30- J.C.Mardrus

- 46- Rescher
- 47- Galtier
- 48- Horovitz
- 49- A Von Bulmerincq
- 50- H. Wehr
- 51- Seybold
52. Emmanuel Cosquin
53. Condottier
54. Amasis
55. Thot
56. Hanuman
57. Paret
58. H. Gregoire
59. R. Goossens
60. Alexius
61. N. Eliseeff

Encyclopaedia of, Leiden, Brill, 2nd Edition. Islam

- پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز پژوهش‌های علوم انسانی
- 31- Vicente Blasco Ibanez
 - 32- E. Powys Mathers
 - 33- E.Littmann
 - 34- F. Groff
 - 35- J. Oestrup
 - 36- Krackovsky
 - 37- F. Gabrieli
 - 38- Silvestre de Socy
 - 39- Barbier de Meynard

۴۰- این دو اسم در مروج الذهب به چاپ و ترجمه باریه دمینار به همین شکل آمده است. م.

- 41- Joseph Von Hammer
- 42- De Goeje
- 43- August Muller
- 44- Oestrup
- 45- Krimski